

یادداشت‌های اُفسینکو

کنسول روسیه در رشت

دوره رویدادهای گیلان از ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۷ میلادی

ترجمه‌ی

افشین پرتو



سرشناسنامه: اوسینکو، لئو الکسیویچ
 عنوان و پدیدآور: یادداشت‌های اوسینکو کنسول روسیه در رشت
 درباره‌ی رویدادهای گیلان از ۱۹۰۹ تا ۱۹۰۱۷ میلادی / ترجمه افشین پرتو
 مشخصات نشر: رشت، فرهنگ‌ایلیا، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.
 شابک: ۶-۴۳۶-۱۹۰-۹۶۴-۹۷۸
 موضوع: اوسینکو، لئو الکسیویچ -- یادداشت‌ها، طرح‌ها و غیره
 موضوع: گیلان -- تاریخ
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ی ۷ ۶۵ الف / PG ۳۳۹۰
 رده‌بندی دیویی: ۷۳۳ / ۸۹۱
 شماره کتابخانه ملی: ۴۰۱۳۸۹۴



• یادداشت‌های اوسینکو	• ترجمه: افشین پرتو
• چاپ نخست: ۱۳۹۵	• شمارگان: هزار نسخه
• صفحه‌آرایی: وحید باقری	• شماره نشر: ۱۳۹۵
• همه‌ی حقوق این کتاب محفوظ است.	• نمایه‌سازی: متین
• شابک: ۶-۴۳۶-۱۹۰-۹۶۴-۹۷۸	
• نشر فرهنگ‌ایلیا؛ رشت، خ آزادگان، جنب دبیرستان بهشتی، خ صفایی، خ حاتم، شماره ۴۹	
• تلفن: ۰۱۳-۲۲۲۴۴۷۲۲ ۲۲۲۴۴۷۲۲ ۰۱۳-۲۲۲۴۴۷۲۲	• دورنگار: ۰۱۳-۲۲۲۴۴۷۲۲
www.farhangeilia.ir	Email: nashreilia@yahoo.com

فهرست

۷	یادداشت حوزه هنری گیلان
۹	پیش‌نویسته
۱۳	بخش یکم
۸۹	بخش دوم
۱۱۳	بخش سوم
۱۵۹	بخش چهارم
۱۶۹	بخش پنجم
۲۱۱	بخش ششم
۲۳۶	بخش نمایه

یادداشت حوزه هنری گیلان

در طایفه چند سده گذشته، امپراتوری روسیه در تاریخ این سرزمین تاثیرگذار بوده است. آنچه در جدا کردن بخش‌های مهمی از ایران با دو قرارداد ترکمانچای و گلستان و چه در به ثمرت بردن منابع کشور با پیاده کردن سیاست‌های استعماری و استبدادی که معولاً همراهی برخی دست‌نشانندگان داخلی صورت می‌گرفت. از جمله رخدادهای که می‌توان به آن اشاره کرد، همان گام به گام رد پای روس‌ها را در آن مشاهده کرد، جنبش مشروطه است که به عنوان یک جریان مهم سیاسی در مقطعی از تاریخ، علاوه بر پایتخت، برخی از ولایات را هم تحت الشعاع خود قرار داد. در واقع سه ناحیه از کشور - تهران، تبریز - گیلان - پایگاه حمایت از این جنبش بودند و در گسترش آن نقش عمده‌ای ایفا کردند. از این میان گیلان به عنوان مرکز برخی از مهم‌ترین اتفاقات و تحولات مشروطیت، به ویژه فتح قزوین و تهران و سرنگونی حکومت محمدعلی شاه و براندازی استبداد صمدی، نقطه‌ای عطف این جریان قرار داشت.

کتاب پیش رو آخرین اثر زنده یاد افشین پرتو، تاریخ‌پژوه گیلان است که آن را به سفارش حوزه هنری گیلان ترجمه کرده است. این کتاب همان‌طور که از عنوان آن برمی‌آید، یادداشت‌های اونسینکو کاردار سفارت روسیه در کنسولگری رشت است که حاوی مطالب مهم تاریخی پیرامون رخدادهای گیلان و ایران، به ویژه رخدادهای مشروطه و نهضت جنگل در سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۷ میلادی است که در آن توطئه و دخالت دولت‌های بیگانه در رویدادهای این سرزمین بیش از پیش مشهود است.

حوزه هنری گیلان در چند سال گذشته آثار متنوعی درباره‌ی تاریخ گیلان در ادوار مشروطه، نهضت جنگل و دیگر رویدادهای تاریخی منتشر کرده است که هریک از آنها می‌تواند گامی در جهت شفاف‌تر شدن بیش از پیش رخدادهای تاریخی این سرزمین باشد. اثر حاضر برای آشنایی نسل جوان با رخدادهای تاریخ معاصر به اهالی فرهنگ و تاریخ تقدیم می‌شود.

www.ketab.ir

پیش‌نویس

تاریخ گزارش آورد همیشه راستی و ناراستی است و تاریخنگار گزارشگر ستیزه‌ی نالایستای، خبر و شر. در این آوردگاه هم‌آوردان تیغ بر هم می‌کشند و جان از تن هر می‌گیرد و روان از پیکر هم می‌گریزانند. گروهی از آن آوردگاه تن درست برون می‌کشند و از آورد سخن‌ها دارند، و چه بسیارند که برون از آن آوردند، اما چشم دوختن بر آن یادها دارند و یادمان‌ها و فسانه‌هایی.

بسیاری از رهیدگان از آورد و پرشمار کسانی از چشم دوختگان به آن ستیزه چه در گرماگرم آن و چه پس از دس‌ماه، سال‌هایی بر آن می‌گردند که یادمان‌ها یا دیده‌ها و شنیده‌های خود را بنگارند و برای آیندگان به یادگار نهند و این افزون بر نوشته‌هایی است که در زمانه‌ی ستیز و آوارگی نگاشته می‌گردد، چه به رویه‌ی نامه و چه یادداشت و گزارش.

خامه که بر کاغذ می‌نشیند، نویسنده اندیشه‌اش را می‌نگارد و اندیشه نگاه نویسنده است به ماجرا. یا با آن همپا و هماندیش است، یا ناهم‌ساز، ناهم‌اندیش و کم‌تر پیدا می‌شود که بی‌گرایش و بی‌برخورد با آن باشد و بجز این اندیشه بر نگاه و پژوهش بر آن رویداده بنهد. پس هر کس از پنجره‌ای به آوردگاه می‌نگرد، پنجره‌ای که از گوشه‌ای به آوردگاه گشوده شده و چنین نیست که همه آن‌چه را که روی داده به یک گونه بنگرند. هیچ کس نگاهش به هیچ چیز برایش گناهی نمی‌سازد. او چنین دیده و چه پاک است که به راستی اندیشه و دیده‌اش را نگاشته است. گناه بر تن کسی می‌نشیند که به گونه‌ای دیگر دیده و به گونه‌ای دیگر تر نوشته است.

رویداده هر چه بزرگ‌تر باشد بیشتر درباره‌ی آن می‌نویسند. از دیدگاه‌های گوناگون برای دست‌یابی به برآیندهای گوناگون. شاید بسیاریشان دیدگاهی ناراست باشد، اما دیدگاهی است نه از آن یک کس چه بی‌گمان دیدگاه گروهی است که او سخانشان را می‌گوید و می‌نویسد. در هر پژوهشی پیرامون یک رویداد بایسته است که به دیدگاه‌های چندگانه‌ای که به آن می‌نگرند نگاهی بیندازیم، چه آنکه در هر نوشته‌ای راستینه‌هایی خفته است که در نوشته‌های دیگر نیست و نباید پذیرش ما و شیفتگی‌مان به رویدادی ما را از پذیرش آنچه ناهمراهان با آن رویداد گفته‌اند باز دارد. غمگانه باید گفت بیش‌تر در پی آنند که مهر پذیرش را بر نوشته‌های هماندیشان با خود زنند، اما پژوهش‌گر آن است که جستجوگر راستی‌ها باشد و نه بسیاری راستی‌هایی که در سخن ناهمراهان است.

بی‌گمان در میان پیرامون تاریخی که می‌توان به آن‌ها برای پی بردن به چند و چون رویدادها در گذشته طمین نمود، یادداشت‌های خصوصی بزرگان سیاسی در دوره‌های گوناگون است. این یادداشت‌ها با نامه‌های رسمی سیاسی که میان کنسولگری‌ها و سفارت‌خانه‌ها و مراکز سیاس هر کشوری در کشورهای دیگر با وزارت امور خارجه‌ی آن کشور یا دولت آن کشور رد و بدل می‌شده و محتویاتشان قابل کنترل بوده، متفاوت بود و در واقع گونه‌ای از راست‌نگری به رویدادهای زمانه به شمار می‌رفت.

این یادداشت‌ها گاهی در لابلای بازمانده‌هایی از سیاست‌ها در گذشته پیدا می‌شوند و گاهی در گنجهای یا فایلی در گوشه‌ای خاموش و تاریک در مرکزی پاس‌دارنده‌ی اسناد بازمانده از گذشته. گنجهای که گاهی به هوسی و گاهی به جستجوی موردی ویژه گشوده می‌گردد و از درون آن کاغذی تا خورده برون کشیده می‌شود، کاغذی که بر آن شرح رویدادهایی از گذشته نگاشته شده و هر واژه‌اش می‌تواند گشاینده‌ی ابهامی باشد.

مراکز اسنادی منظم بازمانده از اتحاد جماهیر شوروی پیشین در کشورهای

پدید آمده از فروپاشی آن سرزمین، گنجینه‌های ارزش‌مندی هستند که هزاران هزار برگ سند از گذشته را در خود پاس داشته‌اند. یکی از پر ارج‌ترین این مراکز مرکز اسناد تفلیس در جمهوری گرجستان است. در این مرکز صدها هزار برگ سند - که هر یک می‌توانند گوشه‌ای از دیروز ایران را روشن نمایند - وجود دارد و در میان آن برگ‌هایی چند از یادداشت‌های خصوصی یکی از فرستادگان سیاسی روس به ایران در سال‌هایی پر رویداد به ایران دیده می‌شود.

لئون کسلیوویچ اوستینکو سال‌ها در فرمانروایی قفقاز کار کرد و در سال ۱۹۰۹ میلادی برای سامان‌دهی به کارهای سیاسی روس‌ها به ایران آمد و تا سال ۱۹۱۷ در ایران ماند و در چندین بار برای یاری به نکراسف کنسول روسیه در رشت در گیلان بود و سپس کنسول روسیه در رشت شد. سال‌های بودن او در گیلان شاید پرماجرترین سال‌های تاریخ گیلان باشد، سال‌های پسین بازمانده از انقلاب مشروطه و سال‌های آغازین بیابانی‌های جنگل. در بخشی از زمان بودن او در ایران پسر عموی میخائیل پتروویچ ژنرال که نیز به ایران آمد و چندگاهی کنسول روسیه در قزوین بود.

اوستینکو تا ۱۵ آوریل ۱۹۱۷ میلادی یک ماه پس از برپایی نخستین انقلاب روسیه که در ۱۵ مارس آن سال روی داد و بر پایه‌ی آن نیکلای دوم از پادشاهی کنار نهاده شد و کارها به برادرش گراندوک میشل و در پی او به پسرش ایزاده لئووف سپرده شد، در ایران ماند و در آن روز به روسیه بازگشت. وی پس از بازگشتن در آن روزهای پریاهو به روسیه پنج شش ماهی در تفلیس ماند و در کرمانگرم برپایی انقلاب کمونیست‌ها در اکتبر ۱۹۱۷ از روسیه گریخت و خود را به یونان رساند و پس از پایان جنگ جهانی اول راهی فرانسه شد و تا سال ۱۹۴۸ میلادی که مرگ او را دربرود در فرانسه به سر برد.

یادداشت‌های او که در مرکز فرمانروایی قفقاز در تفلیس برجای مانده بود پس از برپایی اتحاد جماهیر شوروی به مرکز اسناد برپا شده در تفلیس برده شد و

سال‌هاست که در آن مرکز نگهداری می‌شود. این یادداشت‌ها را تموری آرولا دزه دانشجوی گرجی تبار دوره‌ی دکترای رشته‌ی تاریخ دانشگاه منچستر در انگلستان پس از جستجو در مرکز اسناد تفلیس یافته و آن‌ها به انگلیسی ترجمه کرده و به عنوان کاری درسی در اختیار دکتر ارژنگ مبرهن استاد پراچ تاریخ در آن دانشگاه قرار داده است و ایشان با مهربانی بسیار برای برگرداندن آن‌ها به زبان فارسی به من سپرد. خواندم و از آن بسیار آموختم و بهتر دیدم که با برگرداندنش به بررسی گامی در راه گسترش دانسته‌ها درباره‌ی آن روزگاران ایران و گیلان بردارم.

در آن سال که در آرولا دزه از روسی به انگلیسی برگردانده ۲۸۰ برگ از یادداشت‌های اُوسینکو بود. از چند برگگی از یادداشت‌های وی نشانی نیست. در پرسه‌ای در مرکز اسناد تفلیس دریافتیم که برگ‌های نابوده در این یادداشت‌ها ناخوانا هستند و با پیشرفته‌ترین ابزارها و روش‌ها و انش‌سند نیز نمی‌توان به آن نوشته‌ها پی برد و تنها دو برگ از ناخوانده‌ها: آرولا دزه دگر باره خوانده شد و به این یادداشت‌ها افزوده گشت.

باید از حوزه‌ی هنری گیلان و نشر فرهنگ‌شایان که کمر همت بر بستند و چاپ این کتاب را بر عهده گرفتند، سپاسگزار باشم.

افشین پرتو

نیمه‌ی آبان ماه ۱۳۹۲ خورشیدی

سیاهکل